در تاریخ ۳۰ آبان ۱۴۰۰
فقه هنر (1400-1401)

جلسه 4

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین

آسیب شناسی و بایسته شناسی گفتگوی تراث موجود فقهی از فقه هنر

قرار شد چند نشست را اختصاص دهیم به روش شناسی فقه هنر ؛

در روش شناسی فقه هنر ما سه مساله را گفتیم ؛

مطلب اول: اشتراکات و افترافات استنباط احکام فقه هنر از غیر آن ؛ آیا استنباط ویژه ای را می طلبد یا نه؟

مطلب دوم: رابطه یک سویه یا دو سویه با جزئیاتی که داشت نه فقط در فقه هنر که خیلی جاها به کار می آید ...این بحث یک متد دیگری به انسان می دهد یک روایت ، در یک رفت و برگشت دوسویه آیه را تفسیر کند همان آیه روایت را تفسیر کند که اثر این کار هم بیان شد .

مطلب سوم ما این بود: لزوم کشف عناوین مرجع و تمییزش از غیر آن؛

بحث امروز ، روش شناسی فقه هنر نیست؛ روش شناسی فقه هنر همین سه مساله ای بود که بیان کردم ...

بحث امروز:

آسیب شناسی و بایسته شناسی گفتگوی تراث موجود فقهی از فقه هنر

بزرگان گذشته در آثار خود بی استثنا از فقه هنر صحبت کرده اند؛

غنا را صحبت کرده انددر خصوص مجسمه سازی صحبت کرده اند ، همچنین آلات موسیقی را و...نقاشی ، هم چنین شعبده ، شعر و سحر را گفته اند ...

تراث موجود فقهی در این باره ها بحث دارد و ما میخواهیم این گفتگو را آسیب شناسی کنیم.

این مطلب را به شما گفته ام که آسیب شناسی مقابل بایسته شناسی به کار می رود و ما در هر گفتگویی می توانیم این دو رویکرد مجزا را به کار می بریم ... بسته به نگاه ما دارد اگر نگاه سلبی داشته باشیم و اشتباهات و کمبودهارا ببینیم یا این که نگاه ایجابی داشته باشیم و بایسته هارا ببینیم.

در واقع ما چون می خواهیم نقص این ها را بگوییم همان آسیب شناسی می شود، عنوان اصلی همین باشد.

گاهی اوقات گفتگو از فقه هنر از تراث دینی نیست؛ مثلا صحبت از ناحیه یک ژورنالیست مطرح می شود و ...طبعا این ها حرفهایشان پر از آسیب است ...گاهی اوقات حرفهایی از جنس وادادگی و پر از انفعال زده می شود ....باید مطالب را در کار میدانی مورد توجه قرار داد .

□□□

شیخ در ادامه می فرماید: لکن الاشکال من حیث اللهو.....

بعد سه احتمال میدهد :

انه ان ارید به مطلق اللعب ....اگر مراد از لهو ،مطلق بازی باشد چنانکه از صحاح و قاموس در می آید، فالظاهر ان القول بحرمته شاذ مخالف للمشهور والسیرة.....چنین چیزی را که نمی توان گفت حرام است.

نعم لو خص اللهو (اگر بگویم لهو هر بازی و سرگرمی نیست) بما یکون من بطر و فسّر بشدة الفرح کان الاقوی تحریمه.....

بعد مصداق شناسی هم می کند و میگوید .....: یدخل فی ذلک الرقص و التصفیق والضرب بالطشت بدل الدف ....

بعد می فرماید : اگر این باشد، حرام است ؛ بعد می فرماید که (احتمال سوم): و لو جعل مطلق الحرکات التی لا یتعلق بها عرض عقلایی مع انبعاثها عن القوة الشهویة ففی حرمته تردد..

بگوییم لهو مطلق حرکات اما حرکاتی که غرض عقلایی ندارد ...(در فارسی خوب معنی کرده اند؛ سرگرمی بدون هدف)البته نه هر حرکتی ؛ آنی که از قوای شهویه برخیزد...(اگر این باشد در حرمتش تردد است)

شیخ در یک کار ستودنی برای لعب سه تفسیر کرده است:

اولی را گفت حرام نیست دومی را گفت حرام است و سومی را هم فرمود که تردد است.

□□□

شده است...

غنا را فقهای ما از جنس صوت می دانند و هیچ ارتباطی با محتوا ندارد ...یعنی محتوای غنای حرام می تواند یک شعر مبتذل باشد می تواند یک آیه قرآن باشد ....مشکل بسیاری از این آقایان این بوده که امام آیه لهو الحدیث را بر غنا تطبیق داده اند ...حدیث لهو که می شود از جنس محتوا....

یا قول الزور یا گفته دروغ.

ما مشکل را به این شکل حل کردیم که همانطور که روایت مفسر آیات است آیات هم می توانند مفسر روایات باشند ... پس یک احتمال بدهیم که غنای حرام ،غنایی است که در محتوا مشکل داشته باشد.

ولی برخی این افق را توجه نداشتند ... مرحوم امام خمینی در غنا بحث مفصلی در کتاب مکاسب محرمه دارد ص 204و205را ببینید.ایشان همین مشکل را دارد که چگونه روایت ذیل آیه را به آیه ربط بدهد ... وی پنج احتمال داده است؛بدون این که محصّلی داشته باشد ...

البته این مبحث را از من در حد یک بحث علمی قبول کنید و بروید و مطالعه کنید ...تلاش ایشان از این جهت بی نتیجه است که توجه به آن افق نداشته است.

ایشان بعد انقلاب عملا پذیرفت که هر غنایی حرام نیست؛

ما مباحث را در فقه هنر به گونه ای باید پیش ببریم که همه چیز در قالب قانون بیاید ... یک بحثی الان مطرح است با عنوان فقه و قانون و یا فتوا و قانون.

مباحث فقه هنر اگر بخواهد اجرایی شود باید از صافی قانون عبور داده شود ... در فتوا ممکن است اختلافاتی باشد اما وقتی در قالب قانون قرار میگیرد نمی تواند اختلافی در آن باشد ..باید به این موارد در برنامه ریزی توجه داشت ....

بحث بعدی ما این است: «حکم اولی فقه هنری و بررسی عوارض مغیر واحکام آن».

الحمد لله رب العالمین